

بیست افسانه ایرانی



■ تصویرگر: پژمان رحیمی زاده
■ سال: ۱۳۹۹ - چاپ دوازدهم
■ ناشر: افق
■ تعداد صفحات: ۱۲۴

این کتاب، مجموعه ۲۰ افسانه ایرانی به انتخاب و روایت مصطفی رحماندوست است، مانند: فیل و فنجان، موش دم بریده، شکار آهوپی که سر نداشت، مهرک و کلاغ و... رحماندوست بعضی از افسانه‌ها را با نثر آهنگین روایت کرده و بعضی دیگر را در قالب قصه منظوم ریخته است. این کتاب در سال ۱۳۸۱ دیپلم افتخار IBBY برای تصویرگری سال را هم از آن خود کرد.

این تریزی، آن تریزی



■ تصویرگر: فرهاد جمشیدی
■ سال انتشار: ۱۳۹۷ - چاپ اول
■ ناشر: نیستان
■ تعداد صفحات: ۳۶

این کتاب داستانی جالب و خواندنی از مردمی است که در دو طرف خطی دراز و کج و کوله زندگی می کنند و بدون دلیل از هم بدشان می آید، تا اینکه اتفاقی جدید می افتد و نشان می دهد تفاوت‌ها همیشه بد نیستند. کتاب برای مخاطبان نوجوان است. رحماندوست به شکلی نوین دست به ارائه مفاهیم انسانی و آموزش اصول اساسی زیست اجتماعی برای مخاطبان خود زده است.

مثل‌ها و قصه‌هایشان



■ تصویرگر: رودابه خائف
■ تاریخ نشر: ۱۳۸۹ - چاپ اول
■ ناشر: محراب قلم
■ تعداد صفحه: ۱۳۰

«مثل‌ها و قصه‌هایشان» ۱۲ جلد است. این کتاب با زبانی ساده و کودکانه ضرب‌المثل‌ها و داستان‌های پشت‌پرده آن‌ها را به کودکان آموزش می دهد. هر کدام از این جلدها به نام یکی از دوازده ماه سال نام گذاری شده‌اند. در کتاب‌های بهار و تابستان، سی و یک داستان و در کتاب‌های پاییز و زمستان، سی داستان قرار داده شده است.

رحماندوست مثل تمام آثاری که تولید و ترجمه کرده، این باور را دارد که فهم هر قصه‌ای متناسب با درک آن گروه سنی و لزوم تصویرسازی الزامی است، اما کمی بعد با ترجمه جزء نخست و جزء سی‌ام قرآن کریم برای کودکان و نوجوانان بازتاب‌های خوبی به گوش رسید. برای مثال در همان زمان، «بهاء‌الدین خرمشاهی» نویسنده و شاعر ایرانی در یادداشتی برای مصطفی رحماندوست نوشته بود: «بعد از ۱۴۰۰ سال یکی پیدا شد که قرآن را به ساده‌ترین زبان برای نوجوانان که مخاطبانش هستند، ترجمه کند.»

پایه‌های کودکان

برگ زرین دفتر آقای نویسنده همین است که هیچ‌وقت دلش نخواست از دنیای کودکان عقب بماند. با اینکه گاهی انتقادات تندی هم به رسانه‌هایی همچون صداوسیما داشته است و معتقد است ۵۰ سال از زندگی نوجوانان امروزی عقب‌تر است اما خودش حسابی پایه‌های کودکان و نوجوانان راه آمده است و وقتی می گوید برنامه‌سازهای ما چه در سینما و چه در شبکه‌های کودک می‌توانند برنامه‌های خوبی بسازند، اما این اتفاق رخ نمی‌دهد، همه می‌دانیم حرف بی‌راهی نمی‌زند و خودش می‌داند مسیر کار کردن برای کودک و نوجوان چگونه است: «باید یک اتاق فکر باشد و گروهی متفکر خارج از مسائل سیاسی برنامه‌هایی بسازند که برای آینده بچه‌ها یک برنامه کلان ملی باشد. برنامه‌ای که کودکان را از یک نقطه a به یک نقطه مطلوب برساند و مسلماً هم برنامه‌ای مذهبی-سیاسی نیست. ما باید برنامه‌هایی آماده کنیم که با آن‌ها بتوانیم کودکانمان را برای حضور در جامعه‌ای جهانی آماده کنیم.»

عالم با عمل!

او خودش به هر چه که می‌گوید و وسواس‌ها و دقت‌هایی که درباره دیگران مطرح می‌کند، عمل هم می‌کند. گواه اهمیت دادن به محتوای خوب و هم‌پای اقتضای زمانه پیش آمدن را هم در متن قصه‌ها و اشعار رحماندوست می‌توان یافت، هم در طراحی و جزئیات آن چه از تصویرسازی در کتاب‌های او موجود است؛ اغلب گرافیک و صفحه‌آرایی کتاب‌های او حرفی برای گفتن دارند. چیدمان با وسواس کلمات آن گونه که ذهن زیبای کودک را به آرامش دعوت کند و دنیای زیبای رنگ‌های شاد، در تصاویر کتاب، ارتباط کودک را با برگه‌های کاغذ به گونه‌ای رقم می‌زند که در دنیای داستان‌ها زندگی می‌کند.

کافی است بر جلد کتاب‌ها نیم‌نگاهی بیندازید؛ حتی فونت نوشته‌شده توضیحات روی کتاب به دنیای کودکان و نوجوانان نزدیک است. تمام این‌ها نتیجه درک درستی است که او از دنیای کودکان و نوجوانان دارد. او به قول خودش می‌گوید یک نویسنده حتی اگر بخواهد پیامی در شعر کودک منتقل کند باید به صورت غیرمستقیم باشد. در سال‌های گذشته ادبیات کودک و نوجوان بود، اما ادبیاتی برای خردسال نبود یا بسیار کم بود.

رحماندوست تلاش زیادی کرده تا راه برای آن‌هایی که واقعا دلسور بچه‌ها هستند و کم بسته‌اند به شعر و قصه کودکان و نوجوانان بپردازند، هموار شود. به همین منظور جلسات زیادی برای آموزش شعر و قصه به جوانان بااستعداد دایر و جلسات نقد قصه و شعر بسیاری را به‌پا کرده است.

کودکان هم بوده است. اما خودش درباره این بخش از تجربیاتش در مصاحبه‌ای گفته است: «حتی سه سالی که اشتباه کردم و مدیرکل دفتر فعالیت‌ها و مجامع فرهنگی شدم، شرح وظیفه دفتر را عوض کردم و به انتقال ادبیات برگزیده کودکان و نوجوانان ایران به زبان‌های دیگر کمر بستم. عضو هیات‌های داوری کتاب سال، جشنواره‌های کتاب و مطبوعات کودکان، عضو هیات داوران کتاب سال، جشنواره‌های بین‌المللی فیلم کودکان، عضو شورای موسیقی کودکان و... بوده‌ام. کارهای اجرایی بسیار را پذیرفته‌ام که ظاهرآ مرا از توجه به نوشتن و سرودن بازداشتند. دوستانم همیشه این موضوع را به من تذکر داده‌اند، اما از پذیرش آن همه کار اجرایی توان فرسا با مدیرانی که نوعاً هم اهل هنر و فرهنگ نبوده‌اند، پشیمان نیستم، چرا که تمام کارهای اجرایی من هم در مسیر اعتباربخشی به ادبیات کودکان و نوجوانان و فهماندن اهمیت بچه‌ها بوده است.»

او هر جا هم که حضور داشته، به دنبال کار کردن برای گروه سنی کودک و نوجوان بوده و از دایره تخصصی خود بیرون نگذاشته است. همین موضوع نشان می‌دهد رحماندوست تمام عمرش را واقعا به فکر بچه‌ها بوده و پای از این دایره بیرون ننهاده است.

انتشار و فروش

کتاب‌های او به بیش از شش و نیم میلیون نسخه می‌رسد و برخی از آثار او از جمله «قصه دو انگشت تنها»، «بازی با انگشت‌ها»، «سه قدم دورتر شد از مادر»، «دوتا عروس، دوتا داماد» و... به سیزده زبان ترجمه شده‌اند. وقتی حرف از ترجمه و برگردان قصه‌ها و شعرها به زبان‌های دیگر می‌شود، گویی مهر تاییدی باشد زده باشیم بر این که بچه‌های همه دنیا، جهانی نزدیک به هم دارند، همه نیاز به شعر و داستان و قصه دارند

«دوستانه» با رحماندوست

دنیای کتاب‌ها امروز گسترده‌تر از هر زمان دیگری است. گوشی‌های تلفن همراه با کتاب‌های جیبی نسخه دیجیتالی و اخیراً کتاب‌های صوتی طرفداران زیادی پیدا کرده‌اند و می‌توانیم قصه‌ها را با صدای خود آقای نویسنده بشنویم. رحماندوست کتاب‌خانه الکترونیکی کودکان‌های را چهار سال پیش به نام «دوستانه» راه‌اندازی کرده است و قصد دارد گزیده آثار تالیفی کودکان و نوجوانان را در این تارنمای بین‌المللی وارد کند تا همه بچه‌ها بتوانند از طریق رایانه به کتاب خودشان دسترسی پیدا کنند. «پنج تا انگشت بودند که...»، «خواب قشنگ کجایی؟!»، «قصه‌های قرآن» چند جلد از کتاب‌های صوتی رحماندوست هستند.

او همچنین با انتشار برخی از آثارش با کمک تسهیلات آسان نشر تحت عنوان عمو مصطفی در آمریکا، امکان مطالعه و شنیدن کتاب‌هایش را برای کودکان ایرانی خارج از کشور مهیا کرده است. اما همه این‌ها پایان شور و شوق و جسارت عمو مصطفی برای قصه‌گویی کودکان نیست. او در مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای زیادی علاقه خود را به ترجمه‌ای فصیح مخصوص کودکان و نوجوانان برای قرآن اعلام کرده، اما تاکنون فقط توانسته است جزء اول و سی‌ام قرآن را برای نوجوانان ترجمه کند. او بر این باور است که موضوع حفظ قرآن در مملکت ما از چند سال پیش ایجاد شده است و چنین اتفاقی در ممالک اسلامی تازه نیست. او در این باره می‌گوید: «ما معتقدیم قرآن کتاب زندگی است و کسی که به سن تکلیف می‌رسد، باید از این کتاب استفاده کند و حالا که جریان حفظ قرآن پیش آمده، جریان فهم قرآن هم باید پیش بیاید. فهماندن معنی قرآن به بچه‌ها کار هر کسی نیست؛ چون زبان ویژه کودک و نوجوان از عهده کسانی برمی‌آید که با این گروه سنی آشنا باشند. ایده اولیه این موضوع از اینجا در ذهنش کلید خورد که حالا که بچه‌ها دارند قرآن را حفظ می‌کنند، این امکان را به آن‌ها بدهیم که معنی قرآن را هم بفهمند.»